



تمدن در قرآن

رمضان محمدی

راضیه تبریزی زاده اصفهانی

بهار ۱۴۰۳

محمدی، رمضان، ۱۳۴۳-
تمدن در قرآن / رمضان محمدی، راضیه تبریزی‌زاده اصفهانی؛ ویراستار علی حائری مجد -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی پیامبر اعظم ﷺ؛ ۱۴۰۲.
سیزده، ۴۴۲ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۷۱۶: تاریخ اسلام؛ ۱۴۸)
ISBN: 978-600-298-503-3
بها: ۳۶۱۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه، ص. [۴۳۱] - ۴۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. تمدن -- جنبه‌های قرآنی. ۲. Qur'anic teaching -- Civilization. ۳. تمدن اسلامی. ۴. Islamic civilization.
۵. تمدن ایرانی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام. ۶. Civilization, Iranian -- Religious aspects -- Islam.
الف. تبریزی‌زاده اصفهانی، راضیه، ۱۳۵۹-
BP۱۰۴ ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی ۹۵۵۸۲۸۸



تمدن در قرآن

مؤلفان: رمضان محمدی (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) و دکتر راضیه تبریزی‌زاده اصفهانی
ویراستار: علی حائری‌مجد
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی پیامبر اعظم ﷺ
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه
چاپ اول: بهار ۱۴۰۳
تعداد: ۳۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم-سبحان
قیمت: ۳۶۱۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۰۳-۳

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی‌کاری جلوگیری شود. از این رو، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله» برای نیل به هدف یادشده، سومین کار مشترک خود را با عنوان «تمدن در قرآن» به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

کتاب حاضر به‌عنوان منبع درسی برای رشته‌های «تاریخ علم» و «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات فرهنگ و تمدن اسلامی تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی و دکتر راضیه تبریزی‌زاده و نیز از ارزیاب محترم، دکتر محمدی‌فر سپاسگزارى کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: مفاهیم نظری تحقیق	
مقدمه.....	۵
۱. بررسی مفهوم تمدن.....	۵
۱-۱. مفهوم لغوی تمدن.....	۶
۲-۱. تمدن در اصطلاح.....	۶
۲. بررسی مفهوم فرهنگ.....	۸
۱-۲. فرهنگ در ادب فارسی.....	۸
۲-۲. فرهنگ در اصطلاح.....	۹
۳. یادکرد قرآن از تمدن‌های پیشین.....	۱۰
۴. نظام تمدن قرآنی.....	۱۱
۱-۴. عقاید.....	۱۲
۲-۴. اخلاق.....	۱۳
۳-۴. اقتصاد.....	۱۵
۴-۴. سیاست.....	۱۶
۵-۴. حقوق و قوانین.....	۱۶
۵. بررسی واژگان دارای دلالت تمدنی در قرآن.....	۱۷
۱-۵. عمران.....	۱۷
۲-۵. قریه.....	۱۹
۳-۵. مدینه.....	۲۰
۴-۵. بلد.....	۲۱
کاربردهای بلد در قرآن.....	۲۱

۲۱	الف) عموم سرزمین‌ها.....
۲۳	ب) سرزمین‌های بدون گیاه.....
۲۳	ج) سرزمین پاکیزه و مستعد.....
۲۳	د) مکه.....
۲۴	ه) شهر قوم سبأ.....

فصل دوم: گونه‌شناسی مباحث تمدنی در قرآن

۲۵	مقدمه.....
۲۵	۱. شخصیت‌شناسی تمدنی در قرآن.....
۲۸	۲. پرداخت تمدنی بر پایه ابعاد و ویژگی‌های نفس انسان.....
۳۰	۳. تنوع بیان (کوتاه — متوسط — بلند).....
۳۳	۴. بیان گزاره‌های تمدنی در گونه قضایای شرطیه.....
۳۳	۵. ذکر وقایع تمدنی و سنت‌های الهی در گونه قضیه قطعی.....
۳۴	۶. به‌کارگیری عقل.....
۳۴	۷. تبیین وقایع تاریخی.....
۳۵	۸. بی‌طرفی ارزشی و عینیت‌گرایی.....
۳۶	۹. جمع‌بندی نهایی.....
۳۸	۱۰. گفت‌وگو به زبان افراد گمنام.....
۳۹	۱۱. ذکر وقایع تمدنی بدون اشاره به جزئیات بی‌فایده.....

فصل سوم: روش‌های تاریخی بررسی تمدن‌های بشری در قرآن

۴۱	مقدمه.....
۴۲	۱. روش عینی و شهودی قرآن در پرداختن به تمدن‌ها.....
۴۴	۲. روش گذار از حال به گذشته و بازگشت به آن، در پرداختن به تمدن‌ها.....
۴۸	۳. عدم بسط و تفصیل زیان‌بخش در ذکر تمدنی قرآن.....
۵۰	۴. قرآن و آینده‌پژوهی تمدنی.....
۵۱	۴-۱. جنگ ایران و روم.....
۵۴	۴-۲. داستان فتح مکه.....
۵۷	۵. عدم آمیختگی گزارش‌های تمدنی قرآن با افسانه و اساطیر.....
۶۰	۶. تکرار بیان وقایع تمدنی و تاریخی.....

فصل چهارم: انسان، جامعه و شکل‌گیری تمدن در قرآن

مقدمه.....	۶۳
۱. مفهوم جامعه در قرآن.....	۶۴
۲. یکپارچگی جامعه.....	۶۴
۱-۲. یکپارچگی سطحی.....	۶۴
۲-۲. یکپارچگی عمقی.....	۶۵
۳. ادوار جامعه از منظر قرآن.....	۶۶
۱-۳. دوران وحدت.....	۶۶
۲-۳. دوران پراکندگی و اختلاف.....	۷۲
۱-۲-۳. تضاد میان حق و باطل، یکی از عوامل مهم اختلاف.....	۷۶
۲-۲-۳. تضاد میان انسان و شیطان.....	۷۸
۳-۲-۳. نقش تضاد و اختلاف در جامعه در تمدن‌ها.....	۷۸
۴. بررسی عناصر سازنده جامعه و ارتباط بین آنها.....	۸۰
۱-۴. انسان.....	۸۱
۲-۴. طبیعت.....	۸۳
۳-۴. رابطه انسان و طبیعت از دیدگاه قرآن.....	۸۴
۴-۴. طبیعت، ابزاری برای انسان تمدن‌ساز.....	۸۹
۵-۴. پیوند معنوی انسان با سایر انسان‌ها و طبیعت.....	۹۱
۶-۴. رشد جوامع، در تعامل انسان و طبیعت بر اساس آیات قرآن.....	۹۳
۵. بررسی مسئله استخلاف انسان و تأثیر آن بر عناصر سازنده جامعه.....	۹۷

فصل پنجم: امکان‌سنجی تدوین سنت‌های تمدنی در قرآن کریم

مقدمه.....	۹۹
۱. «سنت» در قرآن کریم.....	۱۰۰
۲. هدف از ذکر سنت‌های الهی در قرآن.....	۱۰۲
۳. گونه‌های پرداختن قرآن به سنت‌های تمدنی.....	۱۰۵
۴. ویژگی‌های سنت‌های تاریخی - تمدنی قرآن کریم.....	۱۰۸
۱-۴. عمومیت داشتن.....	۱۰۸
۲-۴. الهی بودن سنت‌ها.....	۱۱۰
۳-۴. آزادی و اختیار انسان.....	۱۱۲
۴-۴. واقع‌گرایی.....	۱۱۵
۵-۴. مقهور بودن سنت‌ها در مقابل اراده و خواست الهی.....	۱۱۵
الف) قدرت نظامی و آثار تمدن.....	۱۱۶

ب) مغرور بودن به علم و دانش.....	۱۱۶
ج) نیرومندی و کثرت جمعیت.....	۱۱۶
د) کثرت مال و فرزند.....	۱۱۶
ه) جنگجویی و خشونت.....	۱۱۷
و) آبادانی شهرها.....	۱۱۷
ز) داشتن زندگی پرزرق و برق.....	۱۱۷
۴-۶. تخلف ناپذیری سنت‌ها.....	۱۱۷
۵. قالب‌های بیان سنت‌های تاریخی - تمدنی در قرآن.....	۱۲۰
۶. دین، مهم‌ترین مصداق سنت‌های تاریخی غیرتمدنی قرآن.....	۱۲۶

فصل ششم: قرآن کریم و مؤلفه‌های تمدنی

مقدمه.....	۱۲۹
۱. توحیدگرایی.....	۱۲۹
۲. غایت‌گرایی و معادباوری.....	۱۳۴
۳. حقیقت‌گرایی.....	۱۳۸
۴. قانون‌گرایی.....	۱۴۰
۵. عدالت‌محوری.....	۱۴۱
۶. امینت.....	۱۴۸
۷. وحدت‌گرایی.....	۱۵۰
۸. انسان‌گرایی متعالی (باور به ارزش و کرامت والای انسان).....	۱۵۲
۹. برابری‌گرایی (اصل مساوات و برابری آدمیان).....	۱۵۴

فصل هفتم: نگرش قرآن به جایگاه دین در تمدن‌سازی

مقدمه.....	۱۵۷
۱. معناشناسی واژه دین.....	۱۵۸
۲. جایگاه دین در قرآن کریم.....	۱۶۰
۳. رابطه دین و تمدن از منظر اندیشمندان غیرمسلمان.....	۱۶۳
۴. بررسی مفهوم تمدن دینی.....	۱۶۵
۵. نقش دین در تحول تاریخ و تمدن.....	۱۶۷
۶. تکامل دین و تمدن به موازات یکدیگر.....	۱۶۹
۷. سیر تکامل‌پذیری ادیان.....	۱۷۱
۸. اسلام، آخرین دین تکامل‌یافته الهی.....	۱۷۶
۹. سیر نهایی دین و تمدن از چشم‌انداز تاریخ.....	۱۷۹

فصل هشتم: جایگاه انبیا در تمدن بشری از دیدگاه قرآن

مقدمه.....	۱۸۳
۱. جایگاه پیامبران در حرکت تاریخ و تمدن بشری.....	۱۸۵
۲. نقش مستقیم انبیا در تمدن‌های بشری از دیدگاه قرآن.....	۱۸۷
۳. نقش غیرمستقیم انبیا در تمدن‌های بشری از دیدگاه قرآن.....	۱۹۱
۱-۳. نقش انبیا در تشکیل جامعه توحیدی.....	۱۹۱
۲-۳. نقش انبیا در مبارزه با اختلافات و تبعیض‌های اجتماعی.....	۱۹۴
۳-۳. نقش انبیا، مبارزه با استثمار و تبعیض طبقاتی.....	۱۹۷
۳-۴. تربیت «گروه متقین» یا نسل پیشرو.....	۲۰۱
۳-۵. تشابه آموزه‌های هدایتی انبیا، عامل اشتراک و نزدیکی اقوام.....	۲۰۳
۳-۵-۱. یگانگی منبع و یگانگی گزینش:.....	۲۰۶
۳-۵-۲. پرهیز از خودنمایی و اعتراف به ناتوانی‌های شخصی و قدرت و توانایی‌های خدادادی:.....	۲۰۷
۳-۵-۳. یکسانی در قانون‌گذاری:.....	۲۰۷
۳-۵-۴. یکی بودن بشارت‌ها و تصدیق‌ها:.....	۲۱۰
۳-۶. انبیا؛ حاملان کتاب یا قانون مدنی برای انسان‌ها.....	۲۱۲
۳-۷. انبیا؛ پایه‌گذاران علوم و حکمت «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ».....	۲۱۴
۳-۸. عدم شخصیت‌پروری و قهرمان‌پرستی.....	۲۱۶

فصل نهم: تمدن‌های بشری ذکر شده در قرآن

مقدمه.....	۲۲۱
۱. در زمان نوح.....	۲۲۲
۲. تمدن قوم عاد.....	۲۲۳
۳. تمدن قوم ثمود.....	۲۲۶
۴. تمدن در دوران حضرت یوسف.....	۲۲۸
۵. تمدن قوم مدین.....	۲۳۰
۶. تمدن در دوران موسی.....	۲۳۳
۷. تمدن در دوران داود.....	۲۳۶
۸. تمدن در دوران سلیمان.....	۲۳۸
۹. تمدن قوم سبا.....	۲۴۴
۱۰. تمدن در دوران ذوالقرنین.....	۲۴۵
۱۱. تمدن در دوران ابراهیم.....	۲۴۹
۱۲. تمدن عرب پیش از اسلام.....	۲۵۱

۲۵۳	۱۳. رابطه تمدن‌های ذکرشده در قرآن
۲۵۵	۱۳-۱. سیکل یا دوره:.....
۲۵۵	۱۳-۲. روابط سیکل‌ها با یکدیگر:.....
۲۵۶	۱۳-۳. سیکل متکامل:.....

فصل دهم: شاخصه‌های تمدن‌سازی قرآن

۲۵۹	مقدمه
۲۵۹	۱. هدایتگری
۲۶۱	۲. فرهنگ‌سازی
۲۶۳	۲-۱. اصلاح مبانی اعتقادی
۲۶۴	۲-۲. تفسیر آداب و رسوم
۲۶۵	۲-۳. دنیاداری و آخرت‌گرایی
۲۶۸	۳. اخلاق‌محوری
۲۷۶	۴. فطرت‌گرایی
۲۷۶	۵. خردورزی
۲۷۹	استدلال‌های مبتنی بر عقلانیت در قرآن
۲۸۱	۶. علم‌گرایی
۲۸۴	۷. نظام‌مندی
۲۸۵	۸. پویایی

فصل یازدهم: علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن‌ها در قرآن

۲۸۷	مقدمه
۲۸۷	۱. ایمان
۲۹۰	۲. رعایت حقوق مستضعفان
۲۹۲	۳. راهبری صالحان
۲۹۴	۴. هجرت و جهاد
۲۹۵	۴-۱. هجرت
۲۹۷	۴-۲. جهاد
۲۹۸	۵. آزادی انسان

فصل دوازدهم: شاخصه‌های قدرتمندی تمدن اسلامی با تأکید بر آیات قرآن

۳۰۵مقدمه
۳۰۶ ۱. عوامل درونی
۳۰۶ ۱-۱. مدلول آموزه‌های دینی
۳۰۶ ۱-۱-۱. خدا، انسان و هستی
۳۰۷ ۱-۱-۲. تحمل اندیشه‌ها
۳۰۸ ۱-۲. قابل فهم بودن آموزه‌های دینی
۳۱۱ ۱-۳. جامعیت آموزه‌های دینی
۳۱۲ ۱-۳-۱. دلیل عقلی
۳۱۴ ۱-۳-۲. دلیل نقلی
۳۱۴ ۱-۳-۲-۱. جهانی بودن دین خاتم و جامعیت آن
۳۱۴ ۱-۳-۲-۲. جاودانگی آموزه‌های دینی
۳۱۵ ۱-۳-۲-۳-۱. حقیقی بودن گزاره‌های دینی
۳۱۶ ۱-۳-۲-۳-۲. اطلاق مقامی
۳۱۶ ۱-۳-۲-۳-۳. آیات
۳۱۹ ۱-۳-۲-۳-۴. روایات
۳۲۰ ۱-۳-۲-۳-۳. طبیعی و فطری بودن آموزه‌های اسلام
۳۲۲ ۱-۳-۲-۳-۴. سیره مسلمین
۳۲۳ ۲. عوامل بیرونی
۳۲۳ ۱-۲. اصلاح نقاط ضعف تمدن‌های دیگر
۳۲۵ ۱-۲-۲. به‌کارگیری نقاط مثبت سایر تمدن‌ها
۳۲۵ ۱-۲-۲-۱. تمدن یونانی
۳۲۶ ۱-۲-۲-۲. تمدن ایران
۳۲۷ ۱-۲-۲-۳. تمدن هند

فصل سیزدهم: آسیب‌شناسی تمدن‌ها و بررسی علل و عوامل مؤثر بر سقوط آنها در قرآن

۳۲۹مقدمه
۳۳۴ ۱. بررسی مسئله نابودی تمدن‌ها
۳۳۵ ۲. حتمیت سقوط تمدن‌ها و امکان تجربه جدید
۳۳۹ ۳. عوامل انحطاط و سقوط تمدن‌ها در آموزه‌های قرآنی
۳۳۹ ۱-۳. دوگانگی وجود آدمی و کشمکش بین نیروهای متضاد در جامعه
۳۴۱ ۲-۳. تضاد و کشمکش بین نیروهای متضاد در جامعه
۳۴۸ ۳-۳. از بین رفتن اتحاد و تفاهم و پیدایش گروه‌بندی‌ها

۳۵۰ ۴-۳. ظلم و فساد در رهبری و سکوت مردم
۳۵۳ ۵-۳. ظلم‌پذیری و سکوت مردم
۳۵۴ ۶-۳. تکذیب و انکار پیامبران و روی‌گردانی از سپاسگزاری از نعمت‌ها
۳۵۸ ۷-۳. شرک و تکذیب آیات الهی
۳۶۳ ۸-۳. سقوط اخلاقیات و از بین رفتن ارزش‌های معنوی و انسانی
۳۶۵ ۱-۸-۳. اتراف و خوش‌گذرانی
۳۶۷ ۱-۸-۳. صفات و ویژگی‌های ملاً و مترفین
۳۶۸ ۲-۸-۳. رمز سقوط و هلاکت ملت خوش‌گذران و هلاکت مترفان
۳۶۹ ۲-۸-۳. ترک امر به معروف و نهی از منکر
۳۷۱ ۳-۸-۳. تعصب
۳۷۲ ۴-۸-۳. استهزاء
۳۷۳ ۵-۸-۳. تهمت
۳۷۴ ۶-۸-۳. جبن و بخل
۳۷۷ ۷-۸-۳. یأس و ناامیدی
۳۷۹ ۸-۸-۳. لواط
۳۸۲ ۹-۸-۳. استثمار
۳۸۵ ۱۰-۸-۳. جهل و نادانی
۳۸۵ موارد مهم جهل در ارتباط با انحطاط تمدن‌ها

فصل چهاردهم: نقش قرآن در تعالی تمدن مسلمین

۳۸۹ مقدمه
۳۸۹ ۱. رشد اخلاقی و تربیت‌یافتگی افراد جامعه
۳۹۱ ۲. کمال‌گرایی در اقتدار ظاهری و تمکن مادی
۳۹۲ ۳. ارتقای قلمرو مناسبات اجتماعی در سایه قوانین شریعت
۳۹۳ ۴. فهم جامع حقایق توسط مسلمانان
۳۹۵ ۵. هدفمندی و غایت‌گرایی سیر زندگی انسان
۳۹۷ ۶. علم‌افزایی مسلمین
۳۹۹ ۱-۶. علمی که به طور مستقیم برای خدمت به مطالعه و فهم قرآن ایجاد شد:
۳۹۹ ۲-۶. علمی که در خدمت فهم دین بودند و پیوندی عمیق با قرآن داشتند:
۳۹۹ ۳-۶. علمی که در خدمت برآوردن نیازهای جامعه اسلامی بود:
۴۰۰ ۷. توسعه هنر و خلاقیت
۴۰۴ ۸. تأثیر قرآن بر مظاهر زیستی و کالبد شهری جوامع مسلمین
۴۰۵ ۹. تغییرات اجتماعی و حقوقی

۴۰۵	الف) پیدایش افشار اجتماعی جدید:.....
۴۰۵	ب) پیدایش شغل‌ها و پایگاه‌های درآمدی جدید:.....
۴۰۶	ج) پیدایش قوانین و مقررات خاص:.....
۴۰۶	د) پیدایش آداب و رسوم خاص:.....
۴۰۷	هـ) تأثیر در زندگی روزانه مسلمانان:.....
۴۰۸	۱۰. اقتدار نظامی.....
۴۰۹	۱۱. اقتدار صنعتی.....

فصل پانزدهم: اهداف قرآن از طرح مباحث تمدنی

۴۱۱	مقدمه.....
۴۱۲	۱. عبرت‌آموزی و عاقبت‌اندیشی.....
۴۱۸	۲. استحکام اراده و اعتماد و یقین جبهه حق.....
۴۱۹	۳. تکامل معرفتی و شناختی.....
۴۱۹	۴. توسعه اقتصادی.....
۴۲۱	۵. توسعه دینی و جهانی‌سازی دین.....
۴۲۲	۶. توان‌افزایی علمی و دانشی.....
۴۲۴	۷. امتداد سیر وحدت‌گریزی به وحدت انسانی در کل جهان.....
۴۲۷	۸. تمدن به مثابه شناخت.....
۴۲۸	۹. تفکر کردن.....
۴۳۱	منابع و مأخذ.....

مقدمه

تمدن، مفهومی نوپدید و یک مقوله اجتماعی و مبتنی بر یک اندیشه بنیادی است که در قالب‌های گوناگون سامان می‌یابد. واژه تمدن و فرهنگ، در بین واژه‌ها از چنان جایگاه و طبیعتی برخوردار است که شرح و شکافت آن، بیش از دیگر واژه‌ها، دشوار و محل تضارب آراء شده است؛ به طوری که تعاریف گوناگون از آن، معارف مربوط به تمدن را در نوسان و دگرگونی گرفتار کرده است. اما آنچه مسلم است اینکه در شکوفایی و شکل‌گیری تمدن‌ها، عوامل و عناصر گوناگونی نقش دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دین و جهان‌بینی اشاره کرد. در واقع، اهمیت نوع نگرش جهان‌بینی و هستی‌شناسی تا بدان حد است که می‌توان هر تمدنی را بر اساس جهان‌بینی خود تعریف نمود. تمدن اسلامی نیز بر اساس جهان‌بینی توحیدی و هستی‌شناسی الهی مبتنی بر حکمت آفریدگار حکیم که دارای هدف‌هایی جهانی است، پایه‌گذاری و تمام قوانین و برنامه‌های خلقت، بر اساس علم، دانش و حکمت پی‌ریزی شده است؛ زیرا دین مبین اسلام به‌عنوان تنها دینی است که اولاً دارای هدف‌های جهانی است و ثانیاً بر تمام ابعاد زندگی انسان، توجه ویژه‌ای کرده است.

مسلمانان، بخش مهمی از علوم خویش را از آموزه‌های وحیانی، که هسته مرکزی آن قرآن کریم است، گرفته و از همان قرون نخستین، تحقیق و جستجو در معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم و سپس حدیث را آغاز کردند. در واقع، نخستین موضوعات علمی مسلمانان، مسائل مربوط به قرآن و سنت بود. بنابراین قرآن کریم علاوه بر اینکه در بنیان‌گذاری سنگ بنای فرهنگ

و تمدن اسلامی، نقش و تأثیر بسزایی داشته، نظام ویژه‌ای را برای تمدن‌سازی ارائه می‌کند که به گونه‌ای ملموس، در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار بوده است. بنابراین، مراد از تمدن در قرآن در این نوشته، گزاره‌های توصیفی آیات قرآن درباره مفهوم تمدن است که از رهگذر این آیات می‌توان به نقش تمدنی اسلام در جوامع اسلامی و یا نقش تمدنی دولت‌های دینی پی برد. قرآن به‌عنوان کتاب رستگاری‌بخش، دارای مجموعه‌ای منجمس از تعالیم فلسفی، حکمی، عرفانی، اخلاقی، عبادی، سیاسی و اجتماعی است و یک منظومه کلان معرفتی و ارزشی برای راهبرد حیات هرچه بهتر انسان در ابعاد بینشی و رفتاری و منبعی مولد برای ایجاد جامعه‌ای متمدن و نمونه در تمامی جهات و ابعاد. قرآن کریم با توجه همه‌جانبه به جایگاه انسان در نظام هستی و روابط عینی او با مبدأ، معاد و ارتباط تنگاتنگ میان زندگی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی، طرحی نو درافکنده و با ارائه ویژگی‌های مشخص، سیمای جامعه مطلوب توحیدی را بیان کرده است؛ به طوری که بهره‌گیری از این معارف عظیم و آموزه‌های ناب در راستای تمدن‌سازی، جامعه اسلامی را به بهترین نحو ممکن به سوی وضعیت مطلوب هدایت می‌نماید.

بی‌شک قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی تمدن‌سازی اسلامی، مشتمل بر حوزه‌های علمی، فرهنگی و تاریخی بی‌شماری است که با بیانی شیوا و متقن از ناحیه خداوند به انسان معرفی شده است و لازم است به شیوه‌ای اصولی و روشمند، بررسی و کنکاش شده و زوایای آن از هر جهت روشن شود. با توجه به این ضرورت، این نوشتار در تلاش است به گونه‌ای جامع و کامل، به بحث تمدن در قرآن پردازد و ابعاد آن را از جهات مختلف و متعدد، بررسی کند. به این منظور، این پژوهش با استفاده از تفاسیر مختلف و منابع کتابخانه‌ای، پس از ارائه تعاریف مربوط به فرهنگ و تمدن و واژگان مربوط به آن، در چند محور، بحث تمدن در قرآن را مطرح نموده که محورهای مربوطه، در ۱۴ فصل گردآوری شده است. در این فصل‌ها، به موضوعاتی همچون: گونه‌های تمدنی قرآن، شکل‌گیری تاریخی تمدن بشری در قرآن، نقش انسان و جامعه در شکل‌گیری تمدن در قرآن، مؤلفه‌های تمدنی، جایگاه دین در تمدن‌سازی از دیدگاه قرآن کریم، جایگاه انبیا در تمدن بشری از دیدگاه قرآن کریم، تمدن‌های بشری ذکر شده در قرآن، شاخصه‌های تمدن‌سازی قرآن کریم، علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن‌ها در

قرآن، عوامل و ویژگی‌های قدرتمندی تمدن‌های الهی، آسیب‌شناسی تمدن‌ها و بررسی علل و عوامل سقوط آنها در قرآن و نقش قرآن در تعالی تمدن مسلمین پرداخته می‌شود و در آخرین فصل از نوشتار نیز اهداف قرآن از طرح مباحث تمدنی ذکر می‌گردد.

البته در ارتباط با بحث تمدن در قرآن، مطالعات درخور توجهی از سوی پژوهشگران صورت گرفته، اما اکثر قریب به اتفاق این پژوهش‌ها، از جامعیت لازم برخوردار نبوده و هرکدام به بعد خاصی همچون شاخصه‌های تمدن بشری یا انواع تمدن‌ها در قرآن و یا نقش قرآن در علل و شکوفایی تمدن مسلمین پرداخته است. در تحقیق پیش رو، سعی بر این بوده که بحث تمدن در قرآن، به نحو جامع و کاملی بیان شود و همه ابعاد آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. لازم به ذکر است که این کتاب مطابق با سرفصل‌های شورای ارتقای علوم انسانی تدوین گردیده و ساختار و محتوای آن بر اساس خواست شورای ارتقای علوم انسانی بوده و تلاش شده است از اصول نگارش کتاب‌های درسی دانشگاهی نیز برخوردار باشد.

در پایان، از همکار گرامی این پروژه، سرکار خانم دکتر مرضیه تبریزی زاده اصفهانی که در کمال صداقت و درستکاری و با تلاش‌ها و کندوکاوهای خالصانه و مساعی بی‌دریغ خود، این متن را سامان دادند، تشکر می‌کنم. همچنین از رفیق شفیق، جناب آقای دکتر محمدباقر خزاعلی که علاوه بر ارزیابی این اثر از پیشنهاد موضوع تا به ثمر رسیدن این پروژه، ما را از راهنمایی‌ها و کمک‌های خود بهره‌مند ساختند، کمال امتنان را دارم. همچنین از تلاش‌های ارزنده بزرگوارانی همچون ارزیاب دیگر این اثر، جناب آقای دکتر محمد محمدی‌فر و همکاران گرامی در گروه، جناب آقای یارمحمدی و جناب آقای ابراهیم عابدینی، که با تلاش‌های خالصانه و مسئولیت‌پذیرانه خود، آثار گروه تاریخ را به نتیجه می‌رسانند، سپاسگزاری می‌کنم.

در پایان، از همکاری بی‌شائبه ریاست محترم پژوهشگاه، جناب آقای دکتر محمد باقر سعیدی روشن و تلاش‌های معاون پژوهشی، جناب آقای دکتر سید رضا حسینی و همکاران ایشان به‌ویژه جناب آقای سید عدنان اسلامی که با تلاش‌های بی‌دریغ خود، آثار پژوهشگاه را به بهترین شکل به ثمر می‌رسانند، قدردانی و تشکر می‌کنم.

فصل اول

مفاهیم نظری تحقیق

مقدمه

۱. بررسی مفهوم تمدن

واژه تمدن و معادل عربی آن «حضاره»، در قرآن به کار نرفته است. قرآن، مطابق فرهنگ عربی، همواره بادیه‌نشینان را با عنوان اعراب، که نوعی معنای منفی دارد، یاد کرده است،^۱ اما هیچ‌گاه مردم مکه و مدینه با این واژه در قرآن توصیف نشده‌اند؛ بلکه همواره با خطاب‌های «یا ایُّهَا النَّاسُ» و «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» با آنان سخن گفته شده است. «حاضر» که با «حضاره» هم‌خانواده است و نیز «عاکف» در قرآن به معنای ساکن، درباره آمد و شد مردم به مکه استفاده شده^۲ و جمع آن نیز برای ساکنان این شهر به کار رفته است.^۳ تنها واژه‌ای که تقریباً مفهوم امروزی تمدن را در بردارد، واژه «عمران» است که ماضی باب استفعال آن در قرآن آمده و سیاق آیه، مفهوم مسئولیت آبادسازی زمین توسط انسان را می‌رساند.^۴ از دیگر واژگانی که بار معنایی نزدیک به تمدن دارند، می‌توان به «قریه» و «مدینه» و «بلد» اشاره کرد.

در ادامه به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی تمدن می‌پردازیم:

۱. توبه، ۹۷.

۲. حج، ۲۵.

۳. بقره، ۱۹۶.

۴. هود، ۶۱.

۱-۱. مفهوم لغوی تمدن

تمدن را بیشتر از مدینه، با ریشه «م.د.ن» به معنای شهر دانسته و گفته‌اند از آن رو، به مدینه، شهر گویند که مردم در آن سکونت دارند. اما برخی، مدینه را ریشه «د.ی.ن» دانسته و با زائد شمردن حرف «میم» در واژه مدینه^۱ گفته‌اند که در «د.ی.ن»، نوعی تسلیم و فرمانبرداری است و دلیل نام‌گذاری شهر به مدینه آن است که فرمان‌حاکم در آن به‌پا داشته می‌شود.^۲

۱-۲. تمدن در اصطلاح

تمدن در لغت عرب، از واژه‌های جدید و ناظر به معنای مدینه، معادل واژه حضارت به معنای سکونت در شهر، شهرنشینی، اخلاق شهری داشتن و در مقابل بدآوت (صحرائنشینی) است. این تقابل معنایی از آن روست که بدآوت، از ریشه «بَدُو» به معنای آشکار و پیدا بودن است و صحرائنشینان در مکان گشاده، فراخ و بی‌درخت زندگی می‌کنند (و به چیزی پوشیده نیستند)؛ درحالی‌که ساختمان‌ها شهر را پوشانده‌اند. قُطامی (م ۱۷۰) به صحرائنشینی افتخار می‌کند و حضارت و بدآوت را در تقابل هم آورده است.^۳ ابن خلدون با تعبیرهای «عمران بدوی» و «عمران حَضَری»، بادیه‌نشینان را مانند شهرنشینان، دارای تمدن دانسته است، گرچه در نوع، چگونگی و درجات، تفاوت داشته باشند.^۴

معادل انگلیسی واژه تمدن، civilization و معادل فرانسوی آن civilisation برگرفته از civis لاتینی به معنای ساکنان شهر، یا civilis به معنای شهرنشینی یا آیین‌شهری است. در اصطلاح، از تمدن با نگرش‌های متفاوت برخاسته از شرایط و نیازهای منطقه‌ای و ناظر بر معنای لغوی، معانی و مفاهیم مختلفی ارائه کرده‌اند، اما همچون فرهنگ، به مفهوم و تعریف جامعی دست نیافته‌اند.

برخی، تمدن را ناظر بر جنبه علمی و عینی و یا به عبارتی، در سطح حوائج مادی انسان در

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۰۲.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۳۴۲ و ۹۰۸.

۳. ر.ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۷۵ و ۲۳۵.

۴. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۳، ۱۴۹ و ۵۰۲.

جامعه تعریف می‌کنند و به حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی یا به قول ابن خلدون، عمران یافتن (و اجتماعی شدن) تمدن می‌گویند.^۱ آلمان‌ها، فرهنگ را مقدمه تمدن شمرده و بر این اعتقادند که اگر فرهنگ از درون تکامل یابد، به نهادهای اجتماعی (شهرپذیری و تمدن) تبدیل می‌شود. در نگاه اشپنگلر آلمانی، فرهنگ «culture»، مرحله جوانی و شکوفایی است و تمدن، «civilization» دوره پیری، رکود و دستاوردهای مادی؛ به این معنا که جوامع متمدن ابتدا موجد فرهنگ غنی و پیچیده‌ای می‌شوند، ولی در اوج خود، دچار تصلب شده و به شکل متحجر تمدن درآمده و به امپراتوری عظیمی تبدیل می‌گردند، اما فرهنگ، محبوس در پشت دیواره‌های تمدن، پژمرده می‌شود و به تدریج می‌میرد. در اثر این مرگ، تمدن‌های عظیم، از درون پوک می‌شوند و فرو می‌ریزند.^۲ ابن خلدون نیز حضارت و تمدن را نهایت عمران و پایان عمر آن و عامل فساد و تباهی آن می‌داند.^۳

انگلیسی‌ها، فرهنگ و تمدن را یکی می‌دانند و این در تعریف تایلور از فرهنگ نهفته است. هانتینگتون نیز با اعتقاد به اینکه تمدن، تمامیتی فرهنگی دارد، جدایی آن را از تمدن رد کرده و گفته است که تمدن، همان فرهنگ است در ابعادی گسترده‌تر و به تعبیری دیگر، تمدن، گسترده‌ترین واحد مستقل فرهنگی است.^۴

دورانت،^۵ تمدن را شامل مجموعه اندوخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان می‌داند و آن را نظامی اجتماعی تعریف می‌کند که با وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در باور او، تمدن، انسان را به فکر ایجاد مدینه و شهر می‌اندازد... و در شهر است که روح اختراع، وسایل آسایش را فراهم می‌سازد... و عقل مردم بارور می‌شود. بنا بر رویکردها و تعاریف واژه‌های فرهنگ و تمدن، این دو واژه، با معانی مختلف و مرتبط، گاهی چنان به هم نزدیک می‌شوند که مترادف هم قرار می‌گیرند و گاه متفاوت و دارای رابطه عام

۱. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۲۵ و ۳۵-۴۱.

۲. صدری، مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی، ص ۱۷.

۳. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۶۹.

۴. هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ص ۶۳ و ۷۱.

۵. دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۲، ص ۳.

و خاص هستند؛ به گونه‌ای که فرهنگ، بیانگر شیوه زندگی یک ملت مشخص و محیط فکری، فلسفه و جهان‌بینی آن است. پذیرش هر کار فرهنگی، سبب ورود به مرحله تمدنی است. از این رو، فرهنگ، بخشی از تمدن، و تمدن به معنای فرهنگ و تمدن است؛ زیرا فرهنگ، شامل تر و فراگیرتر است.^۱ به بیانی دیگر، فرهنگ هر جامعه، دو بخش مادی و غیرمادی دارد. فرهنگ معنوی، شامل ارزش‌های اجتماعی، باورها و علوم و هنرهایی است که هسته اصلی فرهنگ ملی را شکل می‌دهند و به وسیله زبان و خط، فراگرفته می‌شوند و انتقال می‌یابند. اما فرهنگ مادی، میراث اجتماعی جامعه، شامل واقعیت‌های اجتماعی، پدیده‌های محسوس، ملموس و قابل اندازه‌گیری است. در واقع، به فرهنگ مادی جامعه، تمدن گفته می‌شود.^۲

جعفری^۳ با پذیرش ارتباط میان فرهنگ و تمدن، ملازمه میان آن دو را نفی کرده و معتقد است همان گونه که ممکن است جامعه با اعتلای فرهنگی به تمدن برسد، می‌تواند یک جامعه – مانند امریکا – با اقتباس از تمدنی دیگر – مانند تمدن اروپا – رشد بیابد و به تمدنی دست یابد که با تمدن مادر متفاوت باشد. همچنین وجود فرهنگ، برای جامعه‌ای غیرمتمدن، انکارناپذیر است. پس همان گونه که متمدن بی‌فرهنگ وجود دارد، بافرهنگ بی‌تمدن نیز وجود دارد.

۲. بررسی مفهوم فرهنگ

۲-۱. فرهنگ در ادب فارسی

واژه «فرهنگ» (فرهنج) در عربی معادل کلمه «ثقافت» و در انگلیسی برابر با culture، مرکب از «فر» به معنای پیش و «هنگ» از ریشه «ثنگ» به معنای کشیدن است. در زبان فارسی، به شاخ درختی که آن را بخوابانند و خاک بر روی آن بریزند و در جای دیگر نهال کنند، فرهنگ یا فرهنج گویند. در لاتین نیز culture به معنای «کشت و زرع» آمده و معنای مجازی پرورش

۱. نصر، علم و تمدن در اسلام، ص ۲۴.

۲. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۱۴.

۳. جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۶۱.

عقل در آن کاربرد نادری داشته است.^۱ این واژه هنوز نیز در معنای کشاورزی agriculture، باغبانی horiculture، پرورش زنبور beeculture و کشت مروارید pearlculture به کار می‌رود. از این رو، فرهنگ در معانی پرورش نفس، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، آموختن علم و ادب، عقل و خرد، بزرگی و سنجیدگی و همچنین کتاب‌های لغت (لغت‌نامه) به کار رفته است.

از سده هفتم، واژه فرهنگ در متون ادبی کمتر به کار رفته و واژه‌های برابر عربی، جای آن را گرفته است تا آنکه انجوی شیرازی در سال ۱۰۱۷ق، کتاب لغتی به نام فرهنگ جهانگیری نوشت و از آن پس، مؤلفان لغت‌نامه‌ها، نام فرهنگ را به کتاب‌های لغت دادند.^۲ معانی فرهنگ در ادب فارسی را می‌توان در مفهوم واژه ثقافت در عربی پی گرفت. ثقافت از «تَقَفَ» به معنای استوار کردن کجی نیزه است^۳ که معانی فرعی زیادی مانند آموختن و ماهر شدن در اثر آموزش، دانایی و نیک دانستن، سرعت یادگیری، استادی، مجرب و متقن بودن، به این معنا برمی‌گردد.^۴

۲-۲. فرهنگ در اصطلاح

واژه فرهنگ در سده‌های اخیر، در اثر گسترش علوم و تحولات علمی و اجتماعی توسط دانشمندان آلمانی و انگلیسی، دستخوش تغییر معنایی شد و از نیمه قرن نوزدهم، به دسته‌ای از ویژگی‌ها و دستاوردهای جوامع انسانی (نه فردی) گفته شد. تایلور، انسان‌شناس بریتانیایی، در سال ۱۸۷۱ نخستین تعریف رسمی فرهنگ را این گونه ارائه داد: «فرهنگ، به معنای وسیع انسان‌شناختی آن، کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش، اعتقاد، هنر، قانون اخلاقی، رسوم و هرگونه قابلیت‌ها و عادات دیگری که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه، آنها را فراچنگ خود می‌آورد». دانشمندان آلمانی برای ارائه تعریف دیگری از فرهنگ و جدا کردن آن از معنای

۱. آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۹۷-۱۹۸ و ج ۲۲، ص ۲۰۸.

۲. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۰۶.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۱۴۹.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹-۲۰.

تمدن، کوشش‌هایی انجام دادند،^۱ ولی فرهنگ در مفهوم عام خود نفی نشد و همچنان معنای پرورش چیزهای مادی یا کِشت‌وکار در زمینه‌های پزشکی و آزمایشگاهی را حفظ کرد. گیدنز، فرهنگ را به شیوه زندگی اعضای یک جامعه معین مربوط کرد و به ارزش‌ها، هنجارها و نیز کالاهای مادی تولیدشده تعریف نمود. با این حال، آلفرد وبر، فرهنگ را برای دستاوردهای معنوی همچون ارزش‌ها، اخلاقیات، ادبیات، هنر و دین و تمدن را برای دستاوردهای مادی همچون ابزارها و صنایع و فنون به کار برد.^۲

جعفری^۳ ضمن نقد تعاریف فرهنگ، آن را به دو بخش پیرو و پیشرو تقسیم کرد و شامل کیفیت و شیوه زندگی مادی و غیرمادی مبتنی بر پیروی از خواسته‌ها و تمایلات (پیرو) یا مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده (پیشرو) دانست و آن را جدیدترین تعریف فرهنگ شمرده است.

۳. یادکرد قرآن از تمدن‌های پیشین

در آیات فراوانی، ضمن یادکرد از جوامع متمدن گذشته، به بهره‌مندی آنان از امکانات مادی و نشانه‌های تمدن اشاره شده است. حکومت سلیمان، ساختن تندیس‌ها و تمثال‌های بدیع و برج برای وی توسط جنیان،^۴ صنعت ذوب فلزات توسط ذوالقرنین (کهف، ۹۶)، سدسازی قوم سبأ و ساختمان‌سازی قوم ثمود، نمونه‌هایی از این دست هستند. در مقابل، آیاتی نیز از ساکنان شرق و شمال سرزمین پیش روی ذوالقرنین یاد می‌کنند که از داشتن زندگی تمدنی بی‌بهره بودند.^۵ در مواردی هم با بیانی کلی و بدون یاد کردن از تمدنی خاص، به مقوله تمدن از دو جنبه آسیب‌شناسی و شکوفایی پرداخته‌اند.

نگاه قرآن به تمدن‌های پیشین، غالباً انتقادی و آسیب‌شناسانه است و از انسان‌ها می‌خواهد

۱. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۰۶.

۲. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۰۹-۱۲۱.

۳. همان، ص ۲-۱۳ و ۷۷-۷۹.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۹۸.

۵. ر.ک: عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۴۲ و ۳۵۰.

با گردش در زمین، از سرنوشت اقوام پیشین عبرت گرفته (آل عمران، ۱۳۷ و انعام، ۱۱)، به اصلاح خود بپردازند.^۱ بسیاری از تمدن‌ها، با وجود توان بالا و بهره‌مندی از امکانات مادی (روم، ۹ و غافر، ۸۲)، به سبب عواملی همچون شرک (غافر، ۸۲ و ۸۴)، سرکشی و فساد (فجر، ۱۰-۱۳)، اشرافی‌گری و خوشگذرانی (قصص، ۵۸)، کفران نعمت (سبأ، ۱۵-۱۷)، فسق (اسراء، ۱۶) و ظلم (هود، ۱۰۲؛ حج، ۴۵ و عنکبوت، ۱۴)، بر اساس سنت و اراده خداوند از بین رفته‌اند. در برخی دیگر از آیات، با بیانی کلی و بدون یادکرد از تمدنی خاص، ظلم، تنها دلیل نابودی تمدن‌ها دانسته شده است: «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ».^۲ در این صورت، ظلم، معنایی وسیع خواهد داشت و انواع و گونه‌های مختلف فردی و اجتماعی را شامل خواهد شد. از دیدگاه ابن خلدون، پیامد رفتار ظالمانه، از بین رفتن انگیزه مردم برای کار و تلاش و در نتیجه، نابودی آبادانی است.^۳ علامه جعفری نیز در بررسی آیات یادشده، ظلم را در برابر عدالت و به معنای وسیع هرگونه تجاوز به حیات معقول انسان می‌داند. وی اجازه دادن برای نادیده گرفتن حق خود از سوی دیگران، ایجاد خفقان و رکود فکری در دیگر انسان‌ها، از دست دادن فرصت‌های پدیدآمده برای خدمت به مردم یا سوء استفاده از آن و... را از مصادیق ظلم برمی‌شمارد.^۴ از سوی دیگر، قرآن، ایمان و تقوا را سبب نزول برکات و رحمت‌های خدا، تکمیل زندگی بشر و رسیدن به درجات بالایی تمدن می‌داند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».^۵ یادکرد قرآن از تمدن سلیمان (نمل، ۱۵-۴۴) نمونه‌ای از این مطلب است.

۴. نظام تمدن قرآنی

قرآن در ابعاد مختلف، به پالایش دستاوردهای تمدنی پیشین و تأسیس عناصر جدید تمدنی

۱. گلستان قرآن، ش ۳۷، ص ۱۴، «قرآن و گفتگوی تمدن‌ها».

۲. قصص، ۵۹.

۳. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۲۸۸.

۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۵. اعراف، ۹۶.

دست زد که سرانجام آن، پیدایش تمدن اسلامی در سال‌های بعد بود. نظام تمدن اسلامی بر پایه ارکان و عناصر گوناگونی استوار گردید که تعالیم قرآن، در ایجاد آنها تأثیر فراوان داشته است. البته به طور دقیق نمی‌توان تمدن اسلامی خاصی را مظهر کامل و اعلا‌ی ارکان تمدنی قرآن دانست، اما در هریک از تمدن‌های اسلامی به فراخور موقعیت جامعه، سیاست و دیگر ویژگی‌ها، برخی از این ارکان قابل مشاهده است.

۴-۱. عقاید

قرآن، آموزه توحید را سنگ بنای تمدن اسلامی دانسته و منشأ پیدایش همه مظاهر تمدن بشری را خداوند می‌شناسد.^۱ در نگاه قرآن، از یک سو، خداوند سرچشمه همه خیرات و پروردگار جهان است. در بسیاری از آیات آفرینش، زمینه‌ها و عوامل طبیعی و معنوی تمدن مانند باران (بقره، ۲۲)، باغ‌ها (انعام، ۹۹)، انواع غذاها، گیاهان، درختان (عبس، ۲۴-۳۲) و علم و معرفت و توان انتقال آن به دیگر نسل‌ها^۲ (علق، ۴-۵) به خدا نسبت داده می‌شود. خداست که انسان را آفریده و توان آباد کردن زمین را به او بخشیده است: «... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»^۳ از این رو قرآن، در یادکرد از تمدن‌های پیشین، محور دعوت پیامبران را توحید و مبارزه با شرک معرفی می‌کند (برای نمونه، ر. ک: هود، ۶۱). از سوی دیگر، بر اساس آموزه‌های کرامت انسان، استعدادها و ویژه، برتریش بر دیگر موجودات^۴ (اسراء، ۷۰)، جانشینی او از طرف خدا بر زمین^۵ (بقره، ۳۰) و بنده خدا بودنش (آل عمران، ۵۱ و ذاریات، ۵۶)، مسئولیت آبادانی آن به وی واگذار می‌شود. انسان مسلمان نیز پدیده‌های طبیعی را آیه خدا و مقدس می‌داند و از همین رو، با هماهنگی کامل با طبیعت اطرافش زندگی می‌کند.^۶ خدا دارای قدرت

۱. دوران، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۲۷.

۲. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲ و نیز ر. ک: دوران، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۹۱.

۳. هود، ۶۱.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

۵. مقدمه ابن خلدون، ص ۴۳؛ مطالعات تاریخی، ش ۴، ص ۴۷۲؛ «فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن و متفکرین»؛

الفکر الاسلامی، ش ۵، ص ۱۷۴، «العلاقة بين الحضارة والتنمية الاقتصادية في المنظور الاسلامی».

۶. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۷ و نصر، قلب اسلام، ص ۱۴۱.

(بقره، ۲۰) و عدالت (آل عمران، ۱۸) و در همان حال نیز مهربان (هود، ۹۰) است. همه سوره‌های قرآن، به جز «توبه»، با وصف او به بخشندگی و مهربانی آغاز می‌شوند. علم او نیز به همه چیز احاطه دارد (فصلت، ۵۴). قرآن از یک سو با تأکید بر حنیفیت (انعام، ۱۶۱) که ویژگی ادیان ابراهیمی است و پذیرش اصول توحید، نبوت و روز حساب، اسلام را ادامه رسالت پیامبران الهی، و ایمان به پیامبران پیشین را از اصول مسلم خود می‌داند (بقره، ۱۳۶ و آل عمران، ۸۴) و از سوی دیگر، خاتمیت (احزاب، ۴۰) خود را نیز اعلام می‌دارد. دو ویژگی یادشده، دین اسلام را جهانی کرده^۱ و زمینه تعامل آن را با دیگر ادیان فراهم می‌کند. از این رو، اهل کتاب را به خداپرستی و دوری از شرک دعوت می‌کند (آل عمران، ۶۴). البته در بعضی عقاید، مانند به صلیب کشیده شدن عیسی (علیه السلام) (نساء، ۱۵۷)، با پیروان دیگر کتاب‌ها مخالفت می‌ورزد؛ باین حال، در قرآن، از اجبار دیگران در انتخاب عقیده، پرهیز و منع شده است (بقره، ۲۵۶) و درگیری با غیرمسلمانان به مواردی مانند نقض پیمان (انفال، ۵۶-۵۸ و توبه، ۱۲-۱۳) و فتنه‌انگیزی (بقره، ۱۹۰-۱۹۲ و انفال، ۳۹) محدود شده که برای حفظ نظم جامعه و رفاه و امنیت آن ضروری است.^۲

۴-۲. اخلاق

نظام اخلاقی قرآن، بر پایه اعتقاد به اراده مطلق خدا و معاد استوار است. هدف قرآن، اصلاح کامل شکل زندگی بر اساس از بین بردن آداب جاهلی و جایگزین کردن اخلاق و رفتار بر شالوده توحید است؛ از این رو در بسیاری موارد، به کلی از کیش اعراب بریده یا برخی از فضیلت‌های برجسته آنها را به صورتی سازگار با توحید درمی‌آورد. در واقع آیات وحی، اصطلاحات و کلیدواژه‌های جاهلیت را دستخوش تغییر قرار داده، برخی را گسترده، بعضی را محدود کرده و شماری را به کلی دگرگون می‌کند. برای نمونه، سخاوت و مهمان‌نوازی، به شکل افراطی و بر اساس میل به خودنمایی یا انگیزه‌ای آنی، دو ویژگی برجسته عرب بودند. قرآن با

۱. نصر، قلب اسلام، ص ۳۷.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۵۴۱-۱۵۴۲.

معتدل و معقول کردن میزان انفاق از یک سو^۱ و نیز بنیان نهادن آن بر ایمان و پاداش قیامت (حدید، ۷) از سوی دیگر، کیفیت و کمیت عادت مردم زمان خود را دستخوش تغییر قرار داد.^۲ عرب، خوی انتقام‌جویی داشت و معمولاً در انتقام گرفتن، از حد می‌گذشت، از این‌رو مجازات و قصاص را تنها به میزان جرم جایز دانست؛ باین‌حال به کسانی که خطای دیگران را نادیده می‌گیرند نوید پاداش ویژه داد: «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ...».^۳ قرآن، نگاه لذت‌جویانه به زندگی و مبتنی بر انکار جاودانگی (انعام، ۲۹ و جاثیه، ۲۴) را رد کرده و شوق و تلاش ناشی از آگاهی به قیامت را جایگزین آن ساخته است:^۴ «... لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ...».^۵ در واقع، اخلاقیات مربوط به این جهان، به‌خودی‌خود یک نظام جامع و مانع نیست و تنها مقصد نهایی جهان^۶ (۳) و به تعبیر دیگر، ایمان به زندگی پس از مرگ و ترس از کیفر و امید به پاداش^۷ است که بنیان آن را تعیین می‌کند. بر این اساس، تعبیر متضاد «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» و «أَصْحَابُ النَّارِ»^۸ و مانند آنها در یک دوگانگی بنیادین اخلاقی، بیانگر شاخص‌های نیک و بد در این جهانند. افزون بر این، در دستگاه اخلاقی قرآن، انسان مسئول افعال خویش است (انعام، ۱۶۴) و اثر کار خوب یا بد هرکس، مستقیماً به خود او می‌رسد (اسراء، ۷)، گرچه ظاهراً برای دیگران انجام شده باشد.^۹ آیات وحی، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر را بر پایه عدالت و نیکی به هم‌نوع تعریف کرده^{۱۰} (نحل، ۹۰) و از بی‌عدالتی به دیگران، حتی دشمنان برحذر داشته است (مائده، ۸). همچنین اساس برتری را نیز تقوا دانست نه نژاد و قوم.^۱

۱. فرقان، ۶۷ و اسراء، ۲۹.

۲. ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ص ۱۵۷-۱۵۹.

۳. شوری، ۴۰ و نیز ر.ک: بقره، ۱۹۴ و نور، ۲۴.

۴. ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ص ۲۲۱.

۵. یونس، ۴ و نیز ر.ک: انعام، ۱۶۰ و نحل، ۳۱.

۶. همان.

۷. دوران، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۲۹.

۸. برای نمونه: یونس، ۲۶-۲۷؛ حشر، ۲۰.

۹. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۴۰-۴۱.

۱۰. مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۸.

قوم.^۱ در حوزه دوستی و همکاری، به افقی فراتر از حد معمول توجه کرد و افزون بر تشویق به همیاری در نیکوکاری و پرهیزکاری (مائده، ۲)، همه کسانی را که به اصل ایمان باور دارند، برادر نامید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».^۲ در مقابل، مؤمنان را از دوستی با غیر اهل ایمان (مائده، ۵۱) گرچه پدر و برادر باشند (توبه، ۲۳) به شدت نهی کرد. قرآن در عین حال، نیکی کردن و عدالت‌ورزی نسبت به کسانی را که از در جنگ با مسلمانان درنیامده‌اند، ممنوع نساخت؛ بلکه به آن نیز سفارش کرد: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ».^۳ در نتیجه نگرش متسامحانه اسلام در روابط اجتماعی، مسلمانان از دستاوردهای تمدنی غیرمسلمانان بهره برده و عناصر مفید آن را در تمدن اسلامی وارد کردند. فرایند همسان‌سازی و اسلامی کردن عناصر غیراسلامی در دوره‌های بعد و در ارتباط با اندیشه‌های یونانی، ایرانی، هندی و غربی انجام گرفته است.^۴

۴-۳. اقتصاد

قرآن، مالکیت حقیقی همه اشیاء را از آن خدا می‌داند،^۵ ولی حق مالکیت اعتباری و دنیوی انسان را به رسمیت می‌شناسد؛ از این رو، مال و کار دیگران محترم است و کسی حق ندارد از آن به شکل ناعادلانه بهره برد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنِ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ...».^۶ افزون بر این، قرآن بر رعایت اخلاق کار و تجارت از سوی مسلمانان تأکید می‌کند و از آنان می‌خواهد در همه معاملات، به شرایطی که معامله بر اساس آنها انجام گرفته است، پایبند باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ».^۸ در بسیاری دیگر از آیات نیز

۱. دوران، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۳۴.

۲. حجرات، ۱۰.

۳. ممتحنه، ۸.

۴. ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ص ۲۱۴.

۵. آل عمران، ۱۰۹ و ۱۲۹ و ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۶.

۶. ر.ک: ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۲۸۹.

۷. نساء، ۲۹.

۸. نصر، قلب اسلام، ص ۱۴۲-۱۴۴.

احکام و قوانین زندگی اقتصادی مسلمانان بیان شده‌اند. ارث،^۱ مالیات‌های دینی مانند خمس (انفال، ۴۱)، مخالفت با مال‌اندوزی (توبه، ۳۴) و منع رباخواری (آل عمران، ۱۳۰) از این جمله‌اند.

۴-۴. سیاست

قرآن، نظام سیاسی ویژه‌ای را برای حکومت با همه جزئیاتش تعیین نمی‌کند؛ ولی حوزه سیاست را از دین جدا نمی‌داند و نگاهی کلی نسبت به چهارچوب حکومت، متناسب با اهداف هدایتی خود دارد.^۲ اصولی که ارائه می‌کند، در راستای هدف تحقق حکومت الهی هستند و مقصود از فرستادن پیامبران صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قیام مردم برای برپایی عدالت بیان می‌شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».^۳

۴-۵. حقوق و قوانین

در نگاهی دیگر، قرآن برای حفظ نظام جامعه و جلوگیری از فساد نوع بشر، احکام اجتماعی ویژه‌ای وضع کرده است^۴ و در مواردی به اصلاح قوانین دشوار و دست‌وپاگیر می‌پردازد (اعراف، ۱۵۷). از این رو، قتل (مائده، ۳۲)، زنا (اسراء، ۳۲)، اسراف (اعراف، ۳۱) و ظلم (نساء، ۳۰ و شوری، ۴۰) و... را ممنوع و برای ازدواج، طلاق، حدود و دیات و... احکامی معین می‌کند.^۵ زنان و مردان را به رعایت عفاف (نور، ۳۰-۳۳) توصیه و رسم جاهلی فرزندکشی (انعام، ۱۵۱ و اسراء، ۳۱) را برمی‌اندازد. به مبارزه با تفکر نادرست درباره زن پرداخته و آنان را از داشتن ثروت (نساء، ۳۲) و ارث (نساء، ۱۱-۱۲) بهره‌مند می‌سازد. این قوانین، برای مخاطبان قرآن، فوق‌العاده تازگی داشت. قوانین اخلاقی جدید، مخاطب اولیه قرآن

۱. برای نمونه: نساء، ۱۱-۱۲.

۲. نصر، قلب اسلام، ص ۱۴۵.

۳. حدید، ۲۵.

۴. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۳۹.

۵. ر. ک: مقدمه ابن خلدون، ص ۳۹ و دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۶.